

وهابیان منشاء پسمانی ، ظلم و دهشت افگنی

دکتور فرید یونس
دانشگاه ایالتی کلیفورنیا- ایست بی

مداخلات اخیر نظامی عربستان سعودی در امور بحرین و یمن ، و مانع شدن سعودی ها از به میان آمدن نظام های مردمی این اندیشه را به وجود آورد تا برای درک اساسی حقیقت سوسیو پولینیک منطقه یعنی رابطه جامعه و سیاست و تأثیر اندیشه فکری سطح رهبری بالای سیاست، اولتر از همه حقیقت را در ریشه فکری سعودی ها جستجو کنیم. زیرا از نگاه جامعه شناسی سیاسی این اندیشه فکری سطح رهبری است که باعث به وجود آمدن معاملات سیاسی

و اجتماعی در جامعه میشود. به عبارت دیگر اندیشه فکری سیاسی ساخت و بافت جامعه را طرح ریزی میکند و حتی میتواند اندیشه فکری جامعه را به نفع خود تغییر دهد. و برای به هدف رسیدن به آرزو های سیاسی از هیچگونه تلاش مثبت و منفی دریغ نه می کنند. همچنان باید بدانیم که وقتی که از اندیشه فکری سخن به میان می آید مقصد از اندیشه فکری یک گروه است نه همه جامعه. گروه سیاسی همیشه در تلاش است تا اندیشه فکری جامعه را به ذوق خود تغییر دهد و به دانوسیله تسلط سیاسی را مستحکم نماید. بعضی اوقات اندیشه سیاسی سطح رهبری به برخورد ها مواجه می شود. داستان نظام هیتلری در آلمان شاهد این مطلب است که نه تنها خواستند اندیشه فکری فاشیستی خود را مستحکم کنند، با استفاده از لغت “پروپاگند” جامعه را می خواستند متقاعد سازند چیزیکه می گویند حقیقت است. آلمان هیتلری به نام ناسیونالیزم خواست مردم را متقاعد کند و امروز وهابی ها می خواهند به نام توحید و تعریف که خود از توحید دارند، مردم را برای مقاصد سیاسی خود مهار کنند. یک عده چنان فریب خورده اند و عقل های شان مهار شده است که دیگر هیچ دلیل و برهان برای شان موجه نیست

درین نوشتار کوشش شده است تا منشاء دهشت افگنی، کشتار دسته جمعی انتحاری ، دامن زدن تعصب، بر کنار کردن زنان از جامعه و ده ها مسأله دیگر را که وهابیان باعث شده اند بررسی گردد

امروز بدون اینکه مردم اعتراف به یک حقیقت تلخ به وجود آمدن یک مذهب به نام وهابی کنند، مذهب وهابی به کمک بطرو دالر در جهان تکثیر شده است. همه هنوز هم به این فکر خام هستند که در تسنن چهار مکتب وجود دارد. در حالیکه امروز نباید از این زیاد تر خود را گول زنیم و یک حقیقت آشکار را که مذهب وهابی است و یک عده افغانان گرویده آن شده اند ، پنهان کنیم گرچه که منحیث یک مکتب فقهی ثبت نیست و اما تمایل . . . تنو لوژیک آن به حدی است که انکار آن ناممکن است

مذهب در لغت یعنی روش و طریقه. مطالب را که شما خواننده گرامی درین نوشتار مطالعه می کنید یک روش زندگی است به نام وهابی زیر نام اسلام و توحید . و وهابیان در کوشش آن هستند به هر قیمت که می شود بالای مردم این طریقه را زیر عنوان توحید بقبولانند. آنانیکه تاریخ اسلام و روش های فکری اسلامی را آگاهی ندارند این مذهب را قبول کرده اند و اما اعتراف نه می کنند. آنانیکه اعتراف می کنند ، خود آگاهی ندارند و کورکورانه پذیرفته اند

شخصیت که اصول دهشت افگنی ، تنگ نظری و تندگرایی را در جهان اسلام معرفی کرد و اسلام را که برای عدالت بشری ، گوناگونی فرهنگ ها و نژاد ها چنانچه در خراسان به میان آمد، زیست باهمی با دیگر ادیان چنانچه سلطه مسلمانان در اسپانیا شاهد آن است ، همه و همه را به نام توحید که خودش یک تعریف داشت

به نابودی کشاند، محمد بن عبدالوهاب متوفی 1792 مسیحی بود

عقیده او چنان بود که یگانه راه که مسلمانان راه خوشبختی را نصیب شوند و عبادات و اعمال شان از جانب خداوند قبول شود رو آوردن به اصل قرآن و سنت است. اما هیچ‌گاه نگفت که قرآن نظر به صوابدید زمان و مکان قابل تفسیر است چنانچه ابن عباس (رض) گفته است «القرآن ، یفسر الزمان» و یا احادیث که برای یک مقطع خاص تاریخ گفته شده و آن حدیث دیگر نمی‌تواند مورد استفاده باشد و یا جوابگوی نیازمندی های بشری در عصر حاضر باشد. قرآن و حدیث را به صورت متنی قبول کرد و هرگونه تفسیر و تأویل و اندیشه خارج از قرآن را کفر محسوب میکرد. هر آن چیزیکه در قرآن نیست همه کفر است حتی که با دین منافات نداشته باشد. محمد بن عبدالوهاب عقیده داشت که دین با افکار بیرون آلوده شده است و باید دین را ازین آلودگی نجات داد. اعتقاد داشت که فلسفه از یونان است پس کفر است. تصوف از خراسان آمده و دین را آلوده کرده پس کفر است و اعتقاد به اولیای کرام مال ترک های عثمانی است ، پس شرک و کفر می باشد. این مرد در زمانی زیست میکرد که جهان در دو سوی اتلانتیک یا اوقیانوس اطلس شامل تحولات بارز اقتصادی ، فکری ، و سیاسی میشد. انقلاب صنعتی انگلستان در حدود سالهای 1750 که جهان را از نگاه اقتصادی تغییر داد، انقلاب آمریکا در 1776 که اولین نظام دیموکراسی را در جهان معاصر بنیان گذاشت و رنسانس اروپا که از مسلمانان آموخته بودند، تحولات اجتماعی و سیاسی بزرگ را مانند افکار ژان ژاک روسو که باعث ظهور انقلاب کبیر در فرانسه (1789) گردید. همه این تحولات که در جهان روی داد و بازرگانان خواه مخواه اخبار را انتشار میدادند ، برای محمد بن عبدالوهاب بدعت ، شرک و کفر پنداشته میشد. محمد بن عبدالوهاب با هرگونه عقل گرایی و اندیشه فکری انسانی مخالف بود و آنرا کفر و شرک می نامید. عقل انسان در امور قرآنی اجازه ندارد که مطالب را تفسیر کند. قرآن و سنت بدون هیچگونه تفسیر و تأویل ، قدم به قدم و کلمه به کلمه باید در جامعه تطبیق شود در غیر آن جامعه به آلودگی ، فساد و بیراهه کشانده میشود. محمد بن عبدالوهاب گوناگونی مذاهب را دلیل بی اتفاقی مسلمانان میدانست و از همین لحاظ به علما و مکاتب پیش از خود اعتقاد و احترام نداشت چنانچه امروز وهابی ها ندارند و مذهب شیعه برایش کفر بود. یگانه مذهب که برایش قابل قبول بود از امام ابن حنبل متوفی 855 مسیحی است که امروز سعودی ها و کشور های خلیج به شکل ظاهری پیرو آن هستند و اما روش و سلوک شان وهابی است. در بین مذاهب چارگانه سختگیر ترین امام ابن حنبل است و شاید هم به همین منظور آن امام مورد تائید اش بود. همچنان یگانه مفکر مورد قبول محمد ابن عبدالوهاب ابن تیمیه می باشد که او هم در مسایل روش سختگرا داشت. در مورد ابن تیمیه ، مطالب که به ذوق خودش میبود، تائید میکرد. محمد عبدالوهاب فقهیان ما قبل خود و هم عصر خود را شیطان و مسبب شیطان یاد میکرد. آن عده از علما که به عقل خود موضوعات را تحلیل و تفسیر میکردند از نگاه محمد ابن عبدالوهاب مشرک بودند. یادی از آن ها بدعت است. طور مثال شیخ فخر راضی متوفی 1210 مسیحی که الکهل را منحنیث یک ماده ضد عفونی و ضد میکروب کشف نمود ، نزد محمد ابن عبدالوهاب یک کافر بود. وی و طرفداران او آن عده مردم که مخالف عقاید وهابی بودند ، به قتل رساندند چنانچه امروز با دهشت افگنی مردم بی‌گناه را به قتل می رسانند

برای عبدالوهاب و طرفداران او دوستی با غیر مسلمانان کفر است. در روش وهابی ها کفر است اگر کسی به یک غیر مسلمان تسلیمت گوید و یا اول سلام گوید و یا او را دوست و همراز گیرد. درین روش القاب مانند دکتور ، آقای فلانی، خانم و غیره چون از غیر مسلمانان گرفته شده همه‌اش شرک است. کسانی که در سعودی کار میکنند تنها حرف «د» را حق دارند به جای دکتور استفاده کنند. وهابی ها شدید مخالف زنان در اجتماع می باشند و حتی ختنه دختر باکره را برای اینکه باید از شهوتش کاسته شود مجاز میدانند که در هیچ مذهب دیگر مجاز نیست. اینکه طالبان زنان افغان را داخل چادری کرد و در خانه زندانی نمود از اعمال وهابی هاست. اینکه امروز زنان مسلمان حق یکجا بودن را در داخل مسجد ندارند از افکار وهابی هاست ورنه احادیث مکرر وجود دارد که زنان در عقب مردان نماز ادا می کنند

وهابیان مخالف تاریخ و فرهنگ هستند. تاریخ باستان یک کشور برای شان ، چون مطابقت به قرآن ندارد شرک است و از همین لحاظ طالبان بزرگترین اثر تاریخ کهن افغانستان را که مجسمه بودا باشد به توپ بستند. همه قبور صحابه کرام و بزرگان اسلام در مکه معظمه و مدینه منوره از بین برده شده است و اثری از

آن‌ها دیده نه میشود. هر چیزیکه از عرب نباشد قابل قبول نیست. اتنوسنتریزم یا قوم‌گرایی اساس عمده تفکر وهابی است. قوم‌گرایی طالبان که دیگران را قبول ندارند منشأ وهابی دارد در حالیکه اسلام شدید با قوم پرستی مخالف است. و اما ضدیت وهابی‌ها با ترکیه عثمانی باعث شد تا خون هزاران هزار مسلمان بریزد.. محمد ابن عبدالوهاب چنین فکر میکرد که ترکان عثمانی باعث بدعت‌ها شده‌اند و باید از بین برده شوند. ابن عبدالوهاب قرآن را به مفاد خود تفسیر میکرد. از یکسو دوستی با غیر مسلمانان را کفر می‌شمرد و از سوی دیگر دست خویش را برای سرکوبی ترکان با انگلیس‌ها یکی کرد. با همدستی آل سعود و انگلیس یک اتحاد سه‌گانه را به وجود آوردند که تا امروز این اتحاد برای سرکوبی مخالفان دوام دارد. و امروز که مردم یمن و بحرین سرکوب می‌شوند از پالیسی‌های سه‌گانه وهابی، سعودی و انگلیسی است. از قرن هژده به اینسو هزاران مسلمان به خاک و خون غلتیده است و حملات انتحاری که توسط وهابی‌ها تمویل می‌شود شاهد قول ماست.. هرگونه بدعت جوابش مرگ است. با گذاشتن لقب الموسلمون الموحديون به خود، هزاران مسلمان که خلاف عقایدشان بوده و برای اینکه جامعه را سچ‌ه سازند به قتل رسانیده‌اند. بن لادن از بهترین مثال و پیرو ابن عبدالوهاب بود. عبدالعزیز ابن سعود برای تحکیم بخشیدن سلطه سیاسی خود یک قوه ملیشانی را تشکیل داد و به دستور وهابیان چهل هزار مسلمان را به دار آویختند و سه صد و پنجاه هزار دیگر را دست و پا بردند. قوت وهابی‌ها با به دست آوردن حرمین شریفین از دست ترکیه عثمانی و فواره پترول در قرن بیستم افزایش یافت. در اثر اعتراض کشور های اسلامی، پالیسی مذهبی وهابی تا اندازه‌ی تغییر کرد و از خشونت دست کشیدند و در عوض با پطروالتر شروع به تبلیغ وهابیت در سطح بین‌المللی نمودند. خوشبختانه تبلیغاتشان در افغانستان کمتر تأثیر داشت الی ظهور طالبان. با به میان آمدن طالبان وهابی‌گری به اوج آن رسید چنانچه یک عده افغانان قسمی به خاطر مسائل قومی مانند جناب آقای هاشمیان به دیدن ملا عمر رفت و یک عده به خاطر عقاید فکری با طالبان هم‌نوا بودند و هنوز هم از عقاید وهابی سخت دفاع میکنند مانند جناب محترم قاری صفی الله صمدی. اگر افغانستان دو باره اشتباه کند و به طالبان موقع داده شود این بار فرهنگ و تاریخ باستان افغانستان و عنعنات هزار ساله کشور که با دین منافات ندارد به زباله دانی تاریخ قرار خواهد گرفت و چون وهابی‌ها دشمن درجه یک شیعه می‌باشند لذا ایشان زیاد ترین ضربه را خواهند خورد. درین نظام آزادی های فردی، آزادی بیان و کلام، حقوق بشر، آزادی مذهب، حقوق مدنی مساوی بین زن و مرد وجود ندارد. وهابی‌ها از احادیث جعلی، چنانچه محترم قاری صفی الله صمدی واضح در برنامه مورخ پنج‌شنبه نهم ماه می 2011 مسیحی «خورشید حقیقت» که گردانندگی آنرا از طریق تلویزیون نور به عهده دارد توجیه نمود که زنان ناقص العقل هستند، نقل قول میکنند و در برنامه مورخ 26 می سال جاری اظهار داشت که نباید نص قرآن تفسیر شود و هر آن کسیکه نص قرآن را نظر به زمان و مکان تفسیر می‌کند یا ظالم است و یا فاسق. این عقیده وهابی هاست. (برای مطالعات مزید این موضوع لطفاً رجوع کنید به کتاب «دزدی بزرگ» اثر (خالد ابو ال فضل استاد حقوق اسلامی در دانشگاه کلیفورنیا-لاس آنجلس، متن انگلیسی 2007

امروز وهابی‌ها برای تکثیر وهابیت و عربیت در گوشه و کنار جهان پول مصرف میکنند و برای تکثیر عربیت همه چیز را با حدیث توجیه میکنند. طور مثال یک عده جوانان در آمریکا به نام اینکه سنت رسول الله مبارک است پیراهن های دراز عربی در بر میکنند. این برای این است که وهابیان زیر عنوان اسلام، برای تکثیر عربیت رنگ اسلامی میدهند

محمد ابن عبدالوهاب بدون اینکه نامی از تسلط عرب از نگاه سیاسی ببرد، ناسیونالیزم عرب را زیر نام اسلام تکثیر نمود. قسمیکه در بالا تذکر رفت هر چه عربی است آن سنت رسول الله است و اگر عربی نیست آن شرک است. چون هیچکس جرأت نه می‌کند در مقابل سنت رسول الله اقامه دلیل و برهان کندگرچه که آن حدیث جعلی باشد لذا کار وهابی‌ها سخت به اصطلاح زبان عامیانه افغانها «چوک» است. زیرا هر کس بر علیه حدیث رسول الله مبارک حرفی زند، از دید وهابیان کافر است. و این را همه می‌دانیم که احادیث پیشوای اسلام بعد از رحلت آن مبارک (ص) جمع آوری شده و امکان اشتباه انسانی میتواند متصور باشد. چطور امکان دارد که قرآن پاک گوید که انسان یعنی زن و مرد از نفس واحد آفریده شده و ما یک حدیث جعلی را قبول کنیم که زن ناقص العقل است. روزی جهان اسلام سردمدار عدالت، وقار و علم و معرفت و عدالت بود. امروز ما مسلمانان در آمریکا افتخار می‌کنیم که خانم هیلری کلنتون وزیر خارجه آمریکا نمایشگاه هزارمین جشنواره

ساینس و تکنالوژی مسلمانان را به نام 1001 اختراع 25 می در یکی از مشهور ترین موزیم های جهان یعنی موزیم مرکز علمی ساینس کلیفورنبا-لاس آنجلس افتتاح نمود و در بیانیه ویدیویی خود اظهار داشت که جای افتخار است که یک زن به نام فاطمه ال فخری اولین دانشگاه مدرن را هزار سال پیش تاسیس نمود. اما ما مسلمانان از خیرات وهابی ها زن ها را از مساجد بیرون کرده ایم و یکی فتوا میدهد که زن ناقص العقل است و دیگری فتوای میدهد که نکاح دختر چهار ساله مجاز است و دیگری با حدیث جعلی حکم صادر میکند که ختنه دختران خوب است. قرآن مجید به انسان آزادی بخشید و اولین آزادی ، آزادی عقل و آزادی از اسارت فکری بود و اما امروز از خیرات وهابیان مغز ها همه قفل است و اگر صدای خود را بالا کنید شما محکوم به کفر ، ظلم و فاسق بودن می شوید. روزی بود که در حجاز شیعیه و سنی، متصوف و همه در کنار هم به صلح و صفا زیست داشتند و اما امروز دیگر آن فضا نیست. یا شما به ذوق وهابیان زندگی کنید و یا کافر هستید. وهابیان که برای تبلیغات خود شدید در آمریکا پول مصرف میکنند ، یک عده مساجد چون تکافوی احتیاجات خود را کرده نه می توانند، هدف وهابیان قرار گرفته اند و نتیجه آن بیراه ساختن مردم، نقاق، و تانید از افکار وهابی به نام توحید. از خود سؤال کنیم چرا مامسلمانان با اینکه دین برحق به ما اعطا گردیده این همه پسمانده شده ایم. دلیل آن انحصار دین توسط وهابی ها، نبودن آزادی فکری و اسارت عقل مردم و قوم گرایی وهابی که در کشور ما توسط طالبان دامن زده شد. مردم افغانستان باید بیدار شوند که استثمار شان توسط دین آسان تر از ..کمونیزم و کاپیتالیزم است. وهابی گری یعنی از بین رفتن تاریخ و فرهنگ افغانستان

مورخ 12 فبروری 2014